

نوع مقاله: ترویجی

تحلیلی بر ابعاد و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی - ایرانی

از منظر مقام معظم رهبری

fooladi@iki.ac.ir

محمد فولادی / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

hosseini.feteme388@gmail.com

فاطمه‌السادات حسینی / دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۷

دریافت: ۹۹/۰۹/۲۶

چکیده

از نظر مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی چشم‌انداز مشترک امت اسلامی در سطح کلان و الگوی زندگی در جوامع اسلامی در سطح خرد است. از نظر ایشان، برای دستیابی به تمدن اسلامی، فرایندی قابل شناسایی است که در آن تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی مقدمه دستیابی به تمدن نوین اسلامی است. براساس نظریه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای، حرکت تکاملی جمهوری اسلامی ایران در گرو «رویکرد تمدنی» و محقق ساختن الزامات مهم و راهبردی است، که شایسته است نخبگان علمی و فکری به تبیین این اندیشه علمی پرداخته، درباره چگونگی کاربست آن، به پژوهش‌های کاربردی مبادرت ورزند. این مقاله، با رویکرد تحلیلی و بررسی اسنادی، به واکاوی ابعاد چهارگانه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیشرفت در تمدن نوین اسلامی - ایرانی، از منظر مقام معظم رهبری می‌پردازد. ذیل هر بعد، شاخص‌هایی مطرح شده است. از حیث روش‌شناسانه، شکل‌گیری اندیشه تمدنی رهبری، دارای ویژگی‌های اختصاصی است که عبارتند از: الف. این اندیشه تمدنی، بر بستر تحلیلی تاریخی تجربه تمدنی صدر اسلام و تطور حضور تشیع در عرصه حکومت در سده‌های اخیر نمایان گشته است. ب. اندیشه ایشان، بر توانمندی‌های فقهی و فلسفی و منصب‌های حکومتی ایشان مبتنی است. ج. این اندیشه تمدنی، در درون تجربه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در عصر حاضر تکوین می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: تمدن، ابعاد تمدن اسلامی، شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی.

مقدمه

برتری جویی، داعیه جهانی‌سازی را یدک می‌کشد. غربیان در راستای تحقق این پندار، با تمام توان به میدان آمده‌اند. نقش صنعت و تکنولوژی مدرن در گسترش تمدن و فرهنگ لیبرالیستی در سطح جهان و بخصوص جهان اسلام، فراتر از تصور عمومی است (ولایتی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰). نظر به استیلاجویی تمدن غرب از یکسو، و بیداری اسلامی از سوی دیگر، ضرورت پژوهش و تبیین تمدن اسلامی، امری کاملاً مبرهن می‌نماید.

با توجه به ماهیت اسلام و فلسفه تاریخ و بیداری اسلامی، تجدیدحیات تمدن اسلامی در دوران معاصر چگونه و تا چه اندازه امکان‌پذیر است؟ ابعاد تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری کدامند؟ پاسخ به این سؤالات را با روش تحلیل محتوا و بررسی اسنادی در آثار رهبری پی می‌جویم.

در خصوص پیشینه بحث باید گفت: هرچند تاکنون تحقیقی در مورد ابعاد و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب انجام نشده، اما می‌توان برخی منابع زیر را در این عرصه به‌عنوان پیشینه بحث در نظر گرفت:

کتاب *فلسفه تمدن نوین اسلامی* (غلامی، ۱۳۹۶)، مفهوم و مؤلفه اصلی تمدن، ضرورت، تمایزات، تعریف و مراحل تمدن نوین اسلامی، تعریف، مختصات و مراحل تمدن نوین اسلامی، ادوار تاریخی تمدن اسلامی و نسبت تمدن تاریخی و تمدن نوین، انسان در طراز تمدن نوین اسلامی، هویت و تمدن نوین اسلامی، فناوری و تمدن نوین اسلامی، فلسفه اسلامی و تمدن نوین اسلامی، فقه و تمدن نوین اسلامی و اندیشه سیاسی و تمدن نوین اسلامی، از جمله مباحث درس‌گفتارهای این کتاب‌اند.

کتاب *ضرورت تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کشور* (عادلی، ۱۳۸۸)، به گردآوری سخنان و رهنمودهای رهبری در بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پرداخته است.

کتاب *الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کشور* (سیاهپوش، ۱۳۹۲)، در بررسی بیانات *آیت‌الله خامنه‌ای* به بررسی راه‌کارهای تحقق شعار دهه چهارم انقلاب و همچنین لوازم و پیامدهای تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از سال ۱۳۸۵ تاکنون پرداخته است.

همچنین کتاب *مجموعه مقالات همایش تمدن نوین اسلامی* که در دانشگاه شاهد در مهر ۱۳۹۴ برگزار گردید، مجموعه مقالاتی در این همایش ملی در محورهایی همچون چیستی؛ مفهوم، مبانی، ابعاد و

ظهور اسلام به‌مثابه یک واقعه مهم تاریخی، از جهات گوناگون شایسته بحث و بررسی است. اسلام که از همان ابتدا پیام جهانی داشت، پس از گذشت چهارده قرن، هنوز به‌عنوان یک دین بسیار تأثیرگذار در جهان مطرح است. فلسفه تشریح اسلام، هدایت همه جهانیان است. پیامبر اکرم ص در انجام این رسالت الهی - انسانی، بسیار موفق عمل کرد و توانست انقلاب اجتماعی کاملی در جامعه زمان خودش ایجاد کند. مسلمانان نیز با الهام گرفتن از اصول و شاخصه‌های اسلام و سیره رسول اکرم ص موفق شدند با تأسیس امپراطوری عظیم اسلامی، طی چند قرن بر بخش اعظمی از جهان حکومت کنند. تمدن اسلامی، که خاستگاه قرآنی دارد، با عزم والای پیامبر اکرم ص در یثرب، بنیان نهاده شد، با اهتمام جدی مسلمانان مرزها را درنوردید و تمدن‌های شناخته‌شده معاصر خود را به شدت تحت تأثیر قرار داد (ولایتی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۹). پویایی ماهیت اسلام، تجربه انقلاب اسلامی عصر نبوی، شکل‌گیری تمدن عظیم اسلامی در مدینه‌النبی آرمانگرایی و قانون‌مندی تمدن اسلامی، احساس ارزشمند بازگشت به اسلام و ارزش‌های دینی، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همه نویدبخش پیروزی اسلام و احیای تمدن نوین اسلامی است. تمدنی که تجلی هماهنگ اصول‌گرایی و خلاقیت، عقلانیت و معنویت، ارزش و معرفت، اخلاق و قدرت، تعالی و قداست است. هدف‌نهایی این تمدن را باید امت واحد اسلامی و احیای تمدن اسلامی بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق قرار داد.

هرچند سیر تکاملی تمدن اسلامی پس از چند سده اعتلا و پویایی، بر اثر عوامل درونی و بیرونی، دچار انحطاط گردید؛ اما فرهنگ و تمدن برخاسته از اندیشه اسلامی، به‌رغم گسست‌های عملی سیاسی و اجتماعی دولت‌ها، هیچ‌گاه به فراموشی سپرده نشد و همواره احساس بازگشت به اسلام و احیای تمدن اسلامی، به‌عنوان دغدغه اصلی اندیشمندان جهان اسلام مطرح بود. نهضت‌های اسلامی صدساله اخیر، تجلی این احساس ارزشمند است که نقطه اوج آن را در نهضت امام خمینی ع می‌توان به تماشا نشست. مهم‌ترین دستاورد این احساس مستمر، تقویت خودباوری، بیداری و امید به احیای تمدن اسلامی است (صمیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

احیای تمدن اسلامی از موضوعات حساس و سرنوشت‌ساز دوران معاصر است؛ چراکه در بحث تقابل یا تعامل تمدن‌ها، حسب تفاوت دیدگاه‌ها، این فرهنگ لیبرالیستی غرب است که با گمانه

ببندازد که این جریان با همه موانع و مشکلات، تا امروز تاریخ را جلو رانده و پیش برده است. بیست و سه سال زمان کوتاهی است. سیزده سال از این مدت هم با مبارزاتِ غریبانه گذشت... در همین مدت پیامبر اکرم ﷺ توانست یک حرکتی را ایجاد کند که این حرکت یک تمدنی را آفرید و این تمدن بر اوج قله تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۹۶).

در اینجا به نظر می‌رسد *آیت‌الله خامنه‌ای* در بازخوانی تجربه تمدنی صدر اسلام، به توأمانی دو عنصر تقدیر الهی (از رهگذر بعثت نبی مکرم اسلام ﷺ و نزول وحی به ایشان) و تدبیر بشری توجه کرده‌اند.

۱-۲. درخشش تمدنی سده‌های سوم و چهارم هجری

با الگوگیری از سیره معصومان ﷺ

سده سوم و چهارم هجری به‌عنوان دوره‌ای طلایی در تمدن اسلامی از لحاظ علمی و سیاسی در تاریخ تمدن اسلامی حائز اهمیت فراوان است. «در قرن سوم و چهارم هجری در همه دنیای آن روز، با حکومت‌های مقتدر، با میراث‌های گوناگون تاریخی، هیچ تمدنی به عظمت و رونق تمدن اسلامی مشاهده نشده است؛ این هنر اسلام است (همان، ص ۹۸). به بیان دیگر، باید گفت: سایر تمدن‌های امروزی بشر نیز تحت تأثیر تمدن اسلامی در سده‌های سوم و چهارم هجری قرار گرفتند.

۱-۳. نقد عالمانه و منصفانه تمدن غربی

در یک نقد و بررسی منصفانه، نمی‌توان نقاط مثبت تمدن غرب را نادیده انگاشت. یکی از این موارد، در بیان *آیت‌الله خامنه‌ای*، روحیه سخت‌کوشی و عشق به کار در میان جوامع غربی است. «همه دانشمندان معروف غربی که در این چهارصد سال اخیر غرب توانسته‌اند کارهای بزرگی بکنند، با چنین روحیه‌ای توانسته‌اند به این پیشرفت‌های علمی نائل شوند؛ یعنی با روحیه عشق به کاری که می‌خواهند انجام دهند (سیاهپوش، ۱۳۹۲، ص ۴۲).

۱-۴. تجربه جمهوری اسلامی ایران در امتداد تمدن اسلامی

جمهوری اسلامی ایران زمینه و فرصتی را برای احیا و شکوفایی تمدن اسلامی پدید آورده است. از این منظر، ایجاد و احیای تمدن اسلامی یک امر حاکمیتی است. بنابراین آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد (همان، ص ۴۴).

ویژگی‌ها و چرایی و ضرورت؛ امکان و مطلوبیت و چگونگی الگوها، فرایندها و روش‌های تمدن نوین اسلامی مطرح و منتشر شده است.

مقاله «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری» (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴)، به تعریف واژه‌های تمدن، شاخص و تمدن اسلامی پرداخته و شاخصه‌های عام و قدیمی را در محوریت قوانین قرآنی، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفت، اجتهاد و پاسخ‌گویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل و صدور احکام فقهی مناسب با نیاز بشر یاد می‌کنند.

مقاله «مؤلفه‌ها و راه کارهای تمدن نوین اسلامی در اندیشه امام خمینی ﷺ و مقام معظم رهبری» (یاقوتی، ۱۳۹۸)، در مقایسه اجمالی این شاخصه‌ها در اندیشه رهبران نظام اسلامی، به مؤلفه‌هایی همچون بینش توحیدی، کرامت انسانی، علم و معرفت، عدالت‌گستری، آزادی، استقامت و پایداری، استقلال، سبک زندگی و عزت پرداخته است.

در خصوص جنبه نوآوری مقاله باید گفت: این مقاله به واکاوی ابعاد و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی ایرانی از نظر رهبر معظم انقلاب پرداخته، موضوعی که تنها در منابع موجود یافت نشد.

۱. تحلیل تاریخی شکل‌گیری اندیشه تمدنی رهبر

معظم انقلاب

موضوع «تمدن نوین اسلامی»، که برخی نفس ورود در آن را بر نمی‌تابند، از جمله موضوعاتی است که نگاه به زمینه‌ها و پیشینه‌های تاریخی آن ضروری و راه‌گشاست. بر همین اساس، از جمله بحث‌های *آیت‌الله خامنه‌ای* در موضوع تمدن، نگاه به پیشینه تاریخی آن است. ایشان، سه تجربه تمدنی را مورد توجه قرار داده‌اند. تحلیل تاریخی اندیشه تمدنی ایشان دارای چهار ویژگی است:

۱-۱. عصر نبوی، خاستگاه تمدن اسلام

پیامبر اکرم ﷺ را باید بنیان‌گذار تمدن بزرگ اسلامی دانست. در صدر اسلام، رسول اکرم ﷺ و صحابه و نیز جانشینان بزرگوار ایشان توانستند با اتکالی به خدا، یک تمدن عظیم تاریخی را پایه‌گذاری کنند... نبی مکرم، آن عنصر شایسته‌ای بود که برای یک چنین حرکت عظیمی، برای طول تاریخ بشریت، خداوند او را آماده کرده بود. لذا توانست در طول بیست و سه سال یک جریانی را به راه

اینکه حساب و کتابی در کار است؛ ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه عملی‌اش این معنا باشد که «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۸)؛ در زندگی‌اش تحول اساسی به وجود خواهد آمد... این اعتقاد به معاد است که این را منطقی می‌کند... «... وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَإِهَىٰ الْحَيَوانِ (عنکبوت: ۶۴)؛ این اعمال را در مقابل چشم خود خواهیم دید، آن وقت اینجا اگر برای تکلیف، چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمی‌کنیم؛ ولو آن چیز، جانمان باشد. باید اینها جزو الگوی پیشرفت بیاید و در پیشرفت یک جامعه معنا پیدا کند (همان، ص ۸۲).

افزون بر اینکه، اسلام به ایرانی هویت بخشید و ایرانی نیز موجبات گسترش اسلام را فراهم کرد؛ الگوی کاملاً ایرانی، متناسب با بوم ماست. در خصوص ایرانی بودن الگو، رهبری اشاره می‌فرماید:

خوب، شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد؛ - که قطعاً اینها درست است - این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی؛ یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین این الگو ایرانی است (همان، ص ۸۹).

۳. شاخصه‌های پیشرفت در تمدن نوین اسلامی

برای پیشرفت در تمدن اسلامی، چهار بعد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در کلام مقام معظم رهبری قابل استنباط است. در اینجا به شرح شاخص‌های هریک از این ابعاد می‌پردازیم:

۳-۱. شاخص‌های بعد اجتماعی

ذیل بعد اجتماعی پیشرفت در تمدن اسلامی، شاخص‌های زیر مطرح است:

الف. مدیریت جهادی، تلاش دسته‌جمعی؛ مجاهدت و پایداری

بی‌تردید ایجاد، توسعه و تکامل تمدن‌ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان‌ها میسر است و یکی از شاخصه‌های بارز تمدن‌ها، تلاش و کوشش مستمر و دسته‌جمعی افراد آن است. در منابع اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان

با نگاهی گذرا بر برخی شاخصه‌های تجربه جمهوری اسلامی ایران، می‌توان شواهدی را بر ظرفیت‌های تمدنی این تجربه مطرح ساخت. با دقت در دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای مشخص می‌شود که استدلال‌های محکمی بر تمدنی بودن این تجربه وجود دارد:

- به لحاظ تاریخی، جمهوری اسلامی، با در اختیار داشتن فرازونشیب‌هایی همچون جریان مشروطه و پیش‌تر از آن، تجربه حکومت شیعی صفویه را در اختیار دارد. از این‌رو، این تجربه تاریخی دست‌کم سیصدساله را در پیشینه خود دارد.

- جمهوری اسلامی، از یک مکتب فکری غنی و ارزشمند برخوردار است که انقلاب اسلامی تبلور عینی آن بوده و جمهوری اسلامی در مراحل تکاملی آن انقلاب مکتبی تعریف می‌شود. این مکتب فکری که در دامن مبانی و معارف اسلامی شکل یافته است، خود محصول یک موجودیت نهادی و اصیل دینی با عنوان حوزه‌های علمیه شیعه به‌شمار می‌آید.

- جمهوری اسلامی دارای یک ساختار حکومتی درونی مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه است که تجربه حیات چهار دهه را تجربه می‌کند. اگرچه به لحاظ ساختارسازی تمدنی هنوز به دوره بلوغ نرسیده است. - پیشرفت‌های علمی و صنعتی ایران در دوره جمهوری اسلامی، به لحاظ روند تاریخی قابل توجه بوده است.

۲. محتوای الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی

برای نیل به تمدن نوین اسلامی، باید از الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی پیروی کرد. الگوی پیشرفت ظرفی دارد و آن «اسلامی» و «ایرانی» بودن آن است. این ظرف اسلامی و ایرانی از هم جدا نیست. اسلام به ایرانی هویت بخشید و ایرانی نیز موجبات گسترش اسلام را فراهم کرد. رهبری انقلاب، در خصوص اسلامی بودن الگوی پیشرفت می‌فرماید: «به خاطر اینکه غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است، ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم (همان، ص ۴۲). ایشان می‌فرمایند:

اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله مبدأ است، مسئله توحید است. اگر مسئله مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهد شد... این مشکل اساسی بشریت را حل خواهد کرد. مسئله دومی که مسئله اساسی است، قضیه معاد است؛

«مجاهدت» یاد شده که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است. چنانچه مفسران واژه «جهاد» در آیه «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲) را به معنی مجاهدت فکری، علمی و فرهنگی دانسته‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۲۳).

براین اساس، در بیان رهبری، واژه «مجاهدت»، واژه‌ای استراتژیک است که با توجه به آثار عمیق آن در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی، در مناسبت‌های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده‌اند. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) معتقدند: در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و دریافت تأییدات الهی قطعی است. در دیدگاه ایشان، مجاهدت فوق با تلاش معمولی بسیار تفاوت دارد که اصلی‌ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق، موضوع مهم اخلاص است (حائری یزدی، ۱۳۸۴، ص ۶۸). جهاد در همه زمینه‌ها موجب پیشبرد اهداف تعالی می‌شود و در مقابل دشمن عقب‌نشینی نمی‌شود.

ملت‌های پیشرو و موفق جهان در همه دوران‌ها، ملت‌هایی هستند که در یکی از چنین لحظه‌های تاریخی، تصمیمی شرافتمندانه و شجاعانه گرفته و سختی‌های مجاهدت و پایداری را با شوق و شور، تحمل کرده‌اند و خود را با تلاش و هوشمندی به نقطه امن و عزت و استقلال رسانده‌اند (پیام رهبری، ۷۷/۱۱/۲۱).

ج. قانون‌مداری

از جمله شاخص‌های مدیریت درست جامعه و رسیدن به ایده‌آل و آرمانی در تمدن اسلامی، قانون‌مداری است. در اسلام، اساس همه قوانین، قانون خداست؛ زیرا نقایص قانون بشری را ندارد و از تمام قوانین موجود، برتر و نیکوتر است (مائده: ۵۰). نقش قانون و قانون‌مداری در زایش و اعتلای تمدن بسیار برجسته است. قانون بسان خون در رگ‌های جامعه است. استحکام جامعه و ماندگاری تمدن در گرو قانون مطلوب و وفاداری آحاد جامع به آن است

علی‌رغم همه مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفت‌های چهل ساله ملت ایران آن‌گاه به درستی دیده می‌شود که این مدت، با مدت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید (بیانه گام دوم انقلاب).

ب. برپایی و استقرار قسط و عدل در جامعه

عدالت‌محوری به‌عنوان اصلی از اصول دین، یکی دیگر از شاخصه‌های عمده تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت‌ورزی و برپایی آن در میان مردم جامعه امر می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا

عدالت‌محورین» (نساء: ۱۳۵). در اندیشه رهبری انقلاب، در عدل و عدالت در تمدن اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان در خصوص اینکه یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم بوده که نقطه مقابل عدالت است، می‌فرمایند که زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست و تمدن‌ها پس از آنکه به اوج می‌رسند، به دلیل ضعف‌ها، خلأها و انحراف‌های خود، رو به انحطاط می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است. به‌طوری‌که (در این) تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. در جایی دیگر، از عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام یاد کرده، می‌کند: پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت است:

از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است؛ یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که رشد اقتصادی‌شان خیلی بالاست؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است. ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است. این، کلمه‌ای مقدس در همه زمان‌ها و سرزمین‌هاست و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد، ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن، و فریضه‌ای بر عهده همه، به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است (بیانیه گام دوم انقلاب).

تاریخی متفق‌القول‌اند که جزو اولین اقدامات پیامبر در بدو ورود به مدینه، تأسیس مسجد (قبا) بوده که در قرآن نیز بدان اشاره شده و اساس بنیان آن را تقوا و درستکاری اعلام فرموده است (توبه: ۱۰۸). رهبری فرزانه انقلاب، بر لزوم اهمیت مسجد و تعامل مردم به وسیله پایگاه اجتماعی مسجد تأکید کرده، می‌فرماید:

مسجد بر محور چنین گوهی شکل می‌گیرد؛ اجتماعی است بر گرد یک چنین حقیقت درخشانی. بنابراین مسجد اهمیت دارد، پایگاه است؛ همچنان که معروف شده در زبان‌ها واقعاً پایگاه است؛ نه فقط پایگاه برای فلان مسئله اجتماعی؛ بلکه مسجد می‌تواند پایگاه همه کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی و مقابله با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۸).

افزون بر این، نظام سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی، مردمی، مبتنی بر مدل حکومتی مردم‌سالاری دینی است که در آن مردم صاحبان اصلی آن هستند.

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد... و در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آن‌گاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد... مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشم‌گیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

هـ. تربیت نیروی انسانی کارآمد

از دیگر شاخصه‌های اجتماعی تمدن اسلامی از منظر امام خامنه‌ای، تربیت نیروی انسانی کارآمد، به‌ویژه تربیت نسل جوان است؛ امری که در دولت جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته و بنا بر دستورات رهبری انقلاب، دانشگاه‌های افسری امام حسین^ع و مالک اشتر و... مبنی بر تربیت نیروی انسانی کارآمد، که در سنگر علم و دانش و دفاع از آرمان‌ها فعالیت کند، تشکیل شد. از این‌رو، رهبری با تأکید بر توانمندی این قشر در تمدن‌سازی نوین اسلامی، فرمودند:

(ولایتی، ۱۳۸۳، ص ۳۳-۳۸). قانون‌مداری مورد تأکید اسلام است. پیامبر اکرم^ص با درک عمیق از نقش قانون و قانون‌مداری در تمدن‌سازی، می‌فرمودند: «اقوام و ملل پیشین که دچار سقوط و انقراض شدند، به آن سبب بود که در اجرای حدود الهی تبعیض روا داشتند، حدود را بر بنیویان جاری ساختند و توانمندان را به حال خود وانهادند» (نوری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۷). در رویکرد دینی، اجرای حدود الهی عامل رستگاری دنیا و آخرت است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۴۹). حاکم اسلامی نیز موظف به اجرای دستورات خدا در جامعه است (همان، ج ۲۷، ص ۲۵۴).

رهبر معظم انقلاب با تأسی از قرآن و روایات، قانون‌مداری و قانون‌گرایی را مهم تلقی کرده، می‌فرماید:

قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. این را باید نهادینه کرد و جزو رعایت قانون، رعایت اسناد بالادستی است که امروز خوشبختانه در کشور وجود دارد؛ مثل سیاست‌های کلی، سند چشم‌انداز، مصوبات شوراهای عالی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، از قبیل شورای عالی مجازی؛ این قانون‌گرایی و قانون‌مداری اگر چنانچه جا افتاده، مسلماً خیلی از آسیب‌ها از بین خواهد رفت... گاهی قانون ناقص و معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۰۶/۶).

رهبری انقلاب معیار در نظام اسلامی را قانون‌مداری و پایبندی به آن در نظامی می‌دانند که بستر ساز تمدن نوین اسلامی است: (در نظام اسلامی)، رفتار باید قانون‌مدارانه باشد. اینکه... همه... قانون را رعایت کنید... وقتی قانون رعایت شد، دهن مردم شیرین می‌شود، دل مردم شاد می‌شود. این باید برای همیشه برای ما درس باشد... آن کسانی که به قانون بی‌اعتنایی می‌کنند، واگرایی از قانون می‌کنند... به هر بهانه‌ای... آنها را هم مردم شناسائی می‌کنند؛ از آنها بدشان می‌آید. این هم یک نکته اساسی است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۰۴/۵).

د. مردمی و تعامل مستمر با مردم

یکی دیگر از شاخصه‌های بعد اجتماعی تمدن اسلامی، مردمی بودن نظام و ایجاد و گسترش پایگاه‌های اجتماعی در سطح جامعه برای دیدار و تعامل مردم با یکدیگر می‌باشد. این مهم از آغاز تشکیل حکومت اسلامی در مدینه توسط پیامبر^ص بنیان نهاده شد و منابع

همواره در حال پویایی است. امیدواری، حرکت‌آفرینی، عزت و اعتلای اجتماعی (نساء: ۴۱؛ محمد: ۳۵؛ منافقون: ۸). رستگاری دنیوی و اخروی ارمغان عقیده توحیدی به موحدان است (یونس: ۶۳).

تمدن خاستگاه الهی، بشری دارد. همان‌گونه که اندیشه خلاق انسان عامل شکوفایی تمدن است؛ نقش آموزه‌های دین در پدیداری و اعتلای تمدن، به مراتب تعیین‌کننده‌تر است. اگر تمدن شامل باورها، قوانین، سازمان‌های اجتماعی، اخلاق، فلسفه، فن، ادبیات، فرهنگ و شیوه تعامل انسان با محیط پیرامون او باشد؛ دین در همه این امور نقش بسیار اساسی دارد. تحقیقات تاریخی و مردم‌شناسی نشان می‌دهد که مراکز مربوط به آئین‌ها و شعایر، هسته اصلی شهرهای اولیه بوده‌اند که بیانگر نقش مستقیم دین در تقویت هویت جمعی است (الیاده، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۷۱). می‌توان گفت: «دین و ایمان باطن هر تمدنی است و گویی روحی در کالبد سازمان اجتماعی است (حجازی، ۱۳۵۲، ص ۵۷). رهبر معظم انقلاب دربارهٔ ایمان‌باوری مسئولان جامعه می‌فرماید:

در صدر اسلام، رسول مکرم اسلام ﷺ و صحابه توانستند با اتکای به خدا، یک تمدن عظیم تاریخی را پایه‌گذاری کنند. آنها هم در برابر قدرت‌های بزرگ زمان خود، علی‌الظاهر کوچک بودند؛ اما ایمان به آنها قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. ما چرا نتوانیم؟ «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل‌عمران: ۱۳۹؛ بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۶۸/۱۲/۳).

مردم، ایمان و پابندی خود را به دین، اعتقادات و ارزش‌های والای اسلامی نشان داده‌اند و امروز از الفاظ به ظاهر زیبایی که دشمنان این ملت بر زبان جاری می‌کنند، فریب نمی‌خورند... مردم، ایمان، دشمن، بصیرت و پابندی مردم ایران به دین، پابندی به اسلام، پابندی به مبانی ارزشی، ارزش‌های والای الهی، آمادگی برابر دشمن و آمادگی مردم (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۱/۰۵/۵).

ب. تولید علم و علم‌آموزی

تولید علم و علم‌آموزی، به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم در تشکیل تمدن اسلامی، مورد تأکید قرآن و روایات اسلامی بوده است. این امر از دیدگاه رهبری انقلاب نیز کلید اصلی تمدن‌سازی و رسیدن به نقطه مطلوب و لازمه پیشرفت همه‌جانبه کشور شمرده شده است. ایشان

«شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه کامل تمدن نوین اسلامی را در این خاک و آب تشکیل بدهید، برای اینکه بتوانید این وظایف بزرگ را انجام دهید. جوان امروز احتیاج دارد به دین، به تقوا، به علم، به نشاط کار، به امانت و به ورزش، اینها خصوصیات است که جوان امروز بدان احتیاج دارد» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۱/۷/۱۲).

نکته مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است... همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند. مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال... فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشم‌گیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و... اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد (بیانیه گام دوم، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۹۷).

۳-۲. شاخصه‌های بعد فرهنگی

ذیل بعد فرهنگی تمدن نوین اسلامی، شاخص‌های زیر مطرح می‌باشند:

الف. ایمان و باور توحیدی

ایمان و باور توحیدی داشتن، یکی از شاخصه‌های مهم در تشکیل حکومت و تمدن اسلامی است. بنابراین افراد حکومت اسلامی هریک به مقتضای جایگاه خود، به‌عنوان مسئول و یا مردم، باید از مؤمنان و مسلمانان باشد؛ چون طبق آیات قرآن، مسلمانان مجاز به پیروی از غیرمؤمنان (منافقان، مسیحیان و یهودیان) نیستند (آل‌عمران: ۲۸؛ نساء: ۱۴۱). بنابراین داشتن باور توحیدی انسان را از بعد درونی قوی و استوار نموده، به او آرامش و امنیت، اعتماد به نفس و امید و بینش صحیح و کارآمد می‌بخشد. در اسلام، عقیده توحیدی سنگ‌بنای زندگی انسانی، تمدن و فرهنگ متعالی است. توحید، باوری است که

دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت، که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه شگفتی ناظران جهانی شد.

ج. اخلاق‌مداری

اخلاق، یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگی تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبری انقلاب است. ایشان معنویت و اخلاق را همان عاملی می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد. به اعتقاد ایشان، توجه به خدا و توجه به معنویت، موجب تکوین چنین تمدنی گردید، درغیراین صورت، چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آمد (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). ایشان، به‌عنوان مبانی کارگشای تمدن نوین اسلامی، «اسلام، خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه اصلی فرهنگ صحیح می‌داند» (ر.ک: اکبری و رضایی، ۱۳۹۴).

در جایگاه اخلاق‌مداری از منظر مقام معظم رهبری و اینکه اخلاق چیست و وجود و عدم آن در جامعه چه نقش دارد؛ چه ارتباطی با عقلانیت و دیانت و علم دارد؛ می‌فرمایند: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند. اخلاق که از دیدگاه ایشان مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را بر عهده دارد، عبارت است از: هوای لطیف، یعنی انسان‌ها با همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۱۹). بنابراین، در سایه محیط سالم است که تمدن شکل می‌گیرد.

رهبر معظم انقلاب، در بیانیه گام دوم انقلاب، بر اخلاق و معنویت به‌عنوان محور اصلی تحقق تمدن نوین اسلامی و وجه تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها تأکید دارند:

معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلیقات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (بیانیه گام دوم انقلاب).

لازمه تأثیرگذاری در سطح بین‌المللی و ملی را اقتدار علمی ذکر کرده، معتقد است: «یک ملت، با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۶۹/۵/۲۳). همچنین ایشان تولید علم را تک‌بعدی ندانسته و منحصر به رشته خاصی نمی‌داند؛ بلکه تولید علم در تمام علوم پایه، فنی و مهندسی و تجربی وجود داشته و دارد و مهم‌ترین حوزه، حوزه علوم انسانی است که ارتباط بسیاری با تعلیم و تربیت افراد یک جامعه دارد. ایشان می‌فرمایند:

ما نمی‌گوییم علوم انسانی غیرمفید است؛ ما می‌گوییم علوم انسانی به شکل کنونی مضر است. بحث سر این است... بحث سر این نیست که ما جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا علم مدیریت یا تعلیم و تربیت نمی‌خواهیم یا چیز خوبی نیست، یا فایده‌ای ندارد؛ چرا قطعاً خوب است؛ قطعاً لازم است. علوم انسانی ما برخاسته از تفکرات پوزیتیویستی قرن پانزدهم و شانزدهم اروپا است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۹/۸/۲).

خیلی از افتخارات ملی و بخش مهمی از عزت ملی و بخش قابل توجهی از ثروت ملی، به برکت علم به دست می‌آید؛ مسئله علم و تحقیق و پیشرفت در بخش‌های گوناگون علمی و کشف سرزمین‌های ناشناخته دانش، برای کشور خیلی مهم است؛ این هم ان شاءالله باید در برنامه مورد توجه قرار بگیرد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۶۲).

در بیانیه گام دوم انقلاب نیز راز موفقیت و تمدن‌سازی انقلاب اسلامی را جهاد علمی می‌دانند:

دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش، مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود...

د. سخت‌افزار و نرم‌افزار فرهنگ و تمدن اسلامی

رهبر انقلاب از جمله ابعاد مهم پیشرفت در تمدن نوین اسلامی را فرهنگ و بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن دانسته، مهم‌ترین بعد را سبک زندگی دینی و اسلامی می‌داند.

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنایت تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم؛ بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد. ... هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است... این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، ابزاری است؛ بخش دیگر، متنی و اصلی و اساسی است... بخش ابزاری عبارت است از: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. اینها همه بخش ابزاری تمدن است. ... اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است. مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرنوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است. در تمدن نوین اسلامی،... باید این بخش را به منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسان‌ها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفت‌های

گونگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه

این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

رهبر انقلاب، ضمن اذعان به وجود پیشرفت‌های چشمگیر در بعد سخت‌افزاری فرهنگ اسلامی پس از انقلاب، به‌عنوان جامعه در مسیر حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی، پیشرفت‌های بعد نرم‌افزاری را دارای کاستی‌های فراوان می‌داند و از نخبگان می‌خواهد که در این عرصه آسیب‌شناسی کنند. ایشان می‌فرمایند:

چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟... چرا در برخی از بخش‌های کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا... روی آوردن جوان‌ها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط همسایگی مان رعایت‌های لازم را نمی‌کنیم؟ چرا صلح رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا در زمینه فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ الگوی تفریح سالم چیست؟ نوع معماری در جامعه ما چگونه است؟ طراحی لباسمان چطور؟ مسئله آرایش در بین مردان و زنان چطور؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرت‌های روزانه، به همدیگر به طور کامل راست می‌گوییم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف می‌زنیم؟ علت کارگریزی چیست؟ علت پرخاشگری و بی‌صبری و ناپردباری... چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات می‌کنیم؟ چقدر به قانون احترام می‌کنیم؟ علت قانون‌گریزی... چیست؟ وجدان کاری... انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی... چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا... مصرف‌گرایی رواج دارد؟ چه کنیم که حق همسر، حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که زن در جامعه ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند. حد زاد و ولد در جامعه ما چیست؟ تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ اینها... چیزهایی که متن تمدن را تشکیل می‌دهد. قضاوت درباره یک تمدن، مبتنی بر اینهاست (همان). ایشان با برشماری برخی متغیرهای بعد نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن اسلامی، که نیازمند آسیب‌شناسی جدی است، این بعد را بعد اصلی تمدن نوین اسلامی برشمرده، می‌فرمایند:

سیاسی و امنیتی و نیز بهره‌گیری حداکثری و تأثیرگذار سرمایه خارجی در حوزه اقتصادی قابل مشاهده است. تغییر در رویکردهای کلاسیک در حوزه بازرگانی و تجارت خارجی، از دیگر مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد. تأکید بیشتر بر برقراری نوعی موازنه میان راهبرد مبتنی بر تقاضاها و نیازهای بومی با راهبرد صادرات محور در زمره این رویکردهاست (مایر، ۲۰۱۳، ص ۲۶). رهبر انقلاب در این خصوص می‌فرماید:

تعامل گسترده با دنیا توصیه همیشگی ماست که این درست نقطه مقابل آن چیزی است که دشمنان ما و سلطه‌گران عالم دنبالش هستند. ما می‌توانیم با دنیا ارتباطات وسیع و گسترده‌ای داشته باشیم، هم به ملت‌ها و دولت‌های دیگر کمک کنیم، هم از کمک آنها بهره مند بشویم؛ حیات اجتماعی بشریت این جور پیش می‌رود: همکاری، همدلی، همراهی، تعامل با دنیا؛ اقلیم ما، جغرافیای ما، امکانات فراوان ما، این را برای ما آسان می‌کند (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۵/۱۲).

ما باید با همه دنیا رابطه داشته باشیم؛ ... با همه دنیا - البته منتهای آمریکا و رژیم صهیونیستی - ما مشکلی نداریم. اولاً همه دنیا فقط اروپا و فقط غرب نیست؛ در همین حدود چهار سال قبل از این و در همین شهر تهران، مگر اجلاسی تشکیل نشد که بیش از ۱۳۰ یا ۱۴۰ کشور در آن شرکت کردند؟ حدود چهل یا بیشتر رئیس دولت و رئیس کشور شرکت کردند؛ از همه جا آمدند اینجا و در اجلاس غیرمتعهدا شرکت کردند. ما مشکلی نداریم با اینها. دنیا که فقط اروپا نیست. دنیا جای وسیعی است. قدرت‌ها هم امروز در دنیا پخش شده و تقسیم شده؛ شرق دنیا - یعنی منطقه آسیا - امروز مرکز یک قدرت عظیمی است. ما با اینها ارتباط داریم؛ ما حرفی نداریم (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

ب. حفظ استقلال سیاسی

توجه و حفظ استقلال سیاسی کشور در نظام بین‌الملل، از بنیادی‌ترین اصول و الزامات سیاست خارجی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و تمدن نوین اسلامی است. پاسداری و حراست از استقلال کشور، باید همواره به‌عنوان یک هدف کلان و راهبردی مورد توجه بوده، توسعه و پیشرفت کشور به گونه‌ای طراحی و عملیاتی گردد که نه تنها اصل استقلال را مخدوش نکند؛ بلکه در راستای تعمیق و استحکام آن گام

اصل اینهاست... به‌عنوان مقوله فرهنگ زندگی. البته اسلام بن‌مایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بن‌مایه‌های این فرهنگ عبارت است از: خردورزی، اخلاق، حقوق. اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی... و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم. باید دنبال این بخش، زیاد کار کنیم؛ زیاد تلاش کنیم. جامعه بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد؛ اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه می‌شود یک حیوان سیر و قدرتمند... اسلام این را نمی‌خواهد. ... پس در درجه اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. ... ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه آنچه را که مورد نیاز ماست، می‌توانیم پیدا کنیم... این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم. ... این بخش اساسی از تمدن است، که سلوک عملی است... (همان).

۳-۳. شاخصه‌های بعد سیاسی

ذیل بعد سیاسی تمدن نوین اسلامی، شاخص‌های زیر را می‌توان برشمرد:

الف. تعامل با جهان خارج

در الگوی ایرانی پیشرفت، و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، تعامل با جهان، به‌ویژه تعامل حداکثری با محیط منطقه‌ای و کشورهای اسلامی باید به‌عنوان یک اصل مهم در نظر گرفته شود. بی‌شک در قرن بیست و یکم و در عصر جهانی‌شدن یا جهانی‌سازی، کشورها برای توسعه و پیشرفت ملی نیازمند به تعامل با جهان خارج هستند. در جهانی که وابستگی متقابل در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی میان بازیگران نظام بین‌الملل با سرعت خیره‌کننده‌ای در حال گسترش است، تعامل دوسویه، همه‌جانبه، منطقی و هدفمند با جهان خارج اجتناب‌ناپذیر است. این امر در نهایت به کاهش آسیب‌پذیری کشور در عرصه‌های گوناگون، از طریق افزایش وابستگی سایر بازیگران و تقسیم آسیب‌پذیری میان طرفین می‌گردد. نتیجه ملموس این استراتژی، ایفای نقش بازدارندگی در حوزه‌های

اسلامی هستند. راهکار و سازوکار اصلی و مهمی که آنها در این مواجهه برخواهند گزید، از جنس دیپلماسی و انواع مختلف آن، اعم از دیپلماسی کلاسیک، عمومی، اقتصادی و فرهنگی خواهد بود و لاجرم پاسخ جمهوری اسلامی به آن نیز باید از همین جنس باشد. رهبر انقلاب در خصوص نقش دیپلماسی عمومی در هدایت جامعه و تحقق اهداف نظام اسلامی می‌فرمایند:

باید دیپلماسی را بر این اساس استوار کرد؛ جمهوری اسلامی حرف جدیدی دارد؛ این حرف جدید عبارت است از: مردم و ارزش‌های الهی. این دو تا باید باهم توأم بشوند و حرکت‌ها و جوامع را شکل بدهند. این حرف ماست. ارزش‌های معنوی و ارزش‌های الهی، همراه با ارادهٔ مردم؛ نه تحمیل بر مردم. این حرف جدید جمهوری اسلامی است... ما، هم جمهوری هستیم، هم اسلامی. این را بایستی تبیین کرد؛ و شما برای این کار میدان دارید، می‌توانید حرکت کنید (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۰/۱۰/۷).

همچنین در عرصه مسائل سیاسی و بین‌المللی می‌فرمایند:

در زمینه مسایل سیاسی... ما هم تأکید و اصرار می‌کنیم همین مسئلهٔ تحرکت دیپلماسی جهت‌دار، برنامه‌دار، پخته، نافذ و اثرگذار باشد. ما هرچه در زمینه دیپلماسی تحرکمان بیشتر باشد، بهتر است. این سفرهای خارجی، ملاقات‌های خوب و گفت‌وگوهای تلفنی، همه‌اش کارهای لازم امروز ماست؛ هرچه حجم و کیفیت اینها را بالا ببرید، بهتر است. مسئله دیپلماسی مهم است... دیپلماسی را باید به کار اقتصادی بین‌المللی وصل کرد (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۵/۶/۶)... تأمین منافع ملی، هدف اصلی دیپلماسی کشور است. با اتکاء به خداوند، خودسازی، برنامه ریزی عاقلانه و متفکرانه و اقدامات صحیح، اهداف دیپلماسی جمهوری اسلامی؛ یعنی تأمین منافع ملی ایران را محقق کنید (همان، ۱۳۸۶/۵/۳۰)... بعضی می‌گویند، دیپلماسی فعال، بله، ما معتقد به دیپلماسی فعال هستیم. ما معتقدیم که وزارت خارجه ما باید در سطح جهان - منهای همین چند موردی که استثنا کردیم - مشغول فعالیت باشد. البته بارها گفته‌ایم که عزت و حکمت و مصلحت را رعایت کنند (همان، ۱۳۶۹/۲/۱۲).

د. احترام به آزادی‌های مشروع

یکی دیگر از شاخص‌های بعد سیاسی تمدن نوین اسلامی، آزادی و

بردارد. این نکته در مورد کشوری همچون ایران، مسئله جدی و دغدغه اساسی است. برخی از صاحب‌نظران با تأیید این نکته بر این باورند که برای ملت‌هایی همچون ایران، که مورد دشمنی و غضب قدرت‌های حاکم و مستکبر جهانی هستند، شکستن دور باطل عقب‌نگاه‌داشتگی عملی و دستیابی به پیشرفت واقعی، جز با حرکت‌هایی خودجوش و درون‌زا و با خاستگاه‌های مردمی و متکی بر توانایی‌های بالفعل داخلی، مبتنی بر الگوی بومی ممکن نیست (پیغامی، ۱۳۹۱، ص ۲۵). براساس آنچه که گفته شد، شاید در نگاه نخست، چنین برداشت شود که نوعی تضاد و تناقض میان پاسداری از استقلال واقعی و تعامل حداکثری با جهان خارج وجود دارد؛ اما واقعیت امر این است که برقراری یک موازنه منطقی میان این دو اصلی‌ترین و البته سخت‌ترین مأموریت و وظیفه دیپلماسی است.

رهبر انقلاب، یکی از اصول اساسی نظام اسلامی را در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، استقلال سیاسی می‌دانند: «حفظ استقلال سیاسی، خیلی مهم است. این، جزو مبانی اصولی نظام است. این استقلال، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. ما باید این بندهای اختاپوس فرهنگی تحمیل‌شدهٔ به وسیلهٔ غرب را از دست و پای خودمان باز کنیم. این هم یکی از اصول ماست. آن حرکتی، آن جریان‌ی، آن شعاری و آن برنامه‌ریزی‌ای که در آن استقلال کشور و ملت دیده نشود، اصولگرایانه نیست (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۵/۳/۲۹).

«نظام برآمده از انقلاب اسلامی، یک سیاست‌های اصولی‌ای برای خود ترسیم کرد. انقلاب اسلامی، نظام سیاسی و اجتماعی را پیشنهاد کرد و تحقق بخشید و پیاده کرد؛ یک اصولی هم برای این نظام بر مبنای انقلاب به وجود آمد. مثلاً استقلال - استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، استقلال سیاسی، استقلال امنیتی - از اینهایی بود که [قبلاً] نبود. قبل از پیروزی انقلاب، هیچ‌کدام از اینها وجود نداشت. ما میزان زیادی هم در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم؛ البته هنوز در بعضی زمینه‌ها کار داریم» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹).

ج. استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی

برای تثبیت و تحکیم پایه‌های نظام اسلامی که با حرکتی شتابان به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی در حرکت است، باید با همه امکانات و ظرفیت‌های موجود به شناخت و مبارزه با توطئه‌های دشمنان اسلام پرداخت. دشمنان و بازیگران رقیب در سطح منطقه‌ای به دنبال سد راه پیشرفت نظام اسلامی و تحقق تمدن

دو گروه هستند که بر ضد اسلامی کردن و بومی کردن و خودی کردن مقوله «آزادی» با هم همکاری می‌کنند: یک گروه کسانی هستند که در کلماتشان، مرتب از گفته‌های فلاسفه دو، سه قرن اخیر غربی برای مسئله «آزادی» شاهد می‌آورند: فلان کس این‌طور گفته است... یک دسته دیگر هم... کسانی هستند که تا مفهوم آزادی مطرح می‌شود، فوراً مرعوب می‌شوند، احساس وحشت می‌کنند و فریاد می‌کشند که آقا! دین از دست رفت! نه؛ دین بزرگترین پیام آور آزادی است. چرا دین از دست برود؟! آزادی درست و آزادی معقول، مهم‌ترین هدیه دین به یک ملت و به یک جامعه است. به برکت آزادی است که اندیشه‌ها رشد پیدا می‌کند و استعدادها شکوفا می‌شود (همان).

در جای دیگر، نکته جالبی در باب تفاوت وجود آزادی در اسلام و اندیشه غربی را چنین بیان می‌کنند:

در لیبرالیسم غربی چون حقیقت و ارزش‌های اخلاقی نسبی است، لذا «آزادی» نامحدود است؛ چرا؟ چون شما که به یک سلسله ارزش‌های اخلاقی معتقدید، حق ندارید کسی را که به این ارزش‌ها تعرض می‌کند، ملامت کنید؛ چون او ممکن است به این ارزش‌ها معتقد نباشد. بنابراین هیچ حدی برای آزادی وجود ندارد؛ یعنی از لحاظ معنوی و اخلاقی، هیچ حدی وجود ندارد. منطقی «آزادی» نامحدود است؛ چرا؟ چون حقیقت ثابتی وجود ندارد؛ چون به نظر آنها، حقیقت و ارزش‌های اخلاقی نسبی است. اما «آزادی» در اسلام این‌گونه نیست. در اسلام، ارزش‌های مسلم و ثابتی وجود دارد؛ حقیقتی وجود دارد. حرکت در سمت آن حقیقت است که ارزش و ارزش‌آفرین و کمال است. بنابراین، «آزادی» با این ارزش‌ها محدود می‌شود... تفاوت دیگر این است که آزادی در تفکر لیبرالیسم غربی، با «تکلیف» منافات دارد. آزادی، یعنی آزادی از تکلیف. در اسلام، آزادی آن روی سکه «تکلیف» است. اصلاً انسان‌ها آزادند؛ چون مکلفند. اگر مکلف نبودند، آزادی لزومی نداشت (ر.ک: همان).

۳-۴. شاخصه‌های بعد اقتصادی

ذیل بعد اقتصادی، شاخص‌های زیر مطرح می‌باشند:

الف. قطع وابستگی به نفت

وابستگی اقتصاد ایران به فروش نفت، به‌ویژه اگر درآمد حاصل از آن

احترام به آزادی‌های مشروع است. «آزادی را از دیدگاه یک تکلیف باید نگاه کنیم. قرآن فرموده است: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» (نساء: ۷۵)؛ یعنی شما موظف هستید آزادی دیگران را هم تأمین کنید. قرآن به انسان‌ها می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶)، جان خودتان، وجود خودتان و همین‌طور اهل خود را؛ یعنی آن کسانی که تحت تأثیر شما هستید، حفظ کنید؛ نگذارید در آتش غضب الهی بسوزند؛ نگذارید به مجازات الهی مبتلا بشوند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ» (مائدة: ۱۰۵)، حفظ نفوس بر عهده خود شماست. آنجا که به جامعه ارتباط پیدا می‌کند؛ قانون، دولت، دستگاه اجرایی، دستگاه قضایی، باید مواظب باشد و مرتکب را طبق قانون ممنوع یا مجازات کند. اما آنجایی که استفاده از امکانات فقط به ضرر خود انسان تمام می‌شود، قانون تکلیفی ندارد. اما انسان مسلمان از نظر اسلام، آزادی وارد آوردن این ضربه بر خود را هم ندارد؛ نابود کردن حقوق خود را هم مجاز نیست که انجام بدهد. این یک فرق اساسی است بین آزادی از نظر اسلام و آزادی در مفهوم و فرهنگ غربی» (سیاهپوش، ۱۳۹۲، ص ۹۹). رهبر انقلاب، با بیان انواع آزادی، و حد و مرز آن در اسلام می‌فرماید:

در باب مفهوم آزادی، ما باید استقلال را - که شعار دیگر ماست - به کار گیریم؛ یعنی مستقل فکر کنیم؛ تقلیدی و تبعی فکر نکنیم. اگر در این مسئله که پایه بسیاری از مسائل و پیشرفت‌های ماست، بنا شد از دیگران تقلید کنیم و چشم‌هایمان را فقط بر روی دریچه‌ای که تفکرات غربی را به ما می‌دهد، باز کنیم؛ خطای بزرگی مرتکب شده‌ایم... البته... مرادمان آزادی مطلق نیست که هیچ طرفداری در دنیا ندارد... مرادمان آزادی معنوی هم که در اسلام و بخصوص در معارف اسلامی هست، نیست؛ آن محل بحث ما نیست... منظور از «آزادی» در اینجا «آزادی اجتماعی» است؛ آزادی به مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن و از این قبیل... پس ببینید «آزادی اجتماعی» به همین معنایی که امروز در فرهنگ سیاسی دنیا ترجمه می‌شود، یک چنین ریشه‌قوانی دارد. هیچ لزومی ندارد که ما به لیبرالیسم قرن هجدهم اروپا مراجعه کنیم... (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۷۷/۶/۱۲).

ایشان دو گروه را مخالف بومی‌سازی واژگان یا علوم وارداتی می‌دانند: دشمنان آگاه و دوستان جاهل:

همواره مورد اهتمام و تأکیدات ویژه رهبر معظم انقلاب بوده است، نه تنها به رشد و توسعه اقتصادی و آبادانی کشور کمک شایانی می‌کند؛ بلکه افزون بر آن به منظور حفظ و توسعه استقلال اقتصادی کشور و قطع وابستگی به صادرات نیز ضرورتی انکارناپذیر است. همچنین در گذشته فناوری و دانش به‌عنوان عوامل درون‌زا نسبت به تولید و رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد، اما امروزه باور بر این است که این عوامل درون‌زا بوده و بر کارایی تمام عوامل و منابع رشد اقتصادی اثر می‌گذارند. براین اساس، امروزه نقش دانش در رسیدن به رشد اقتصادی قابل انکار نیست و اگر کشور در دانش از دشمن سبقت نگیرد و نیازمند دانش وی باشد، نمی‌تواند در عرصه اقتصاد قدرتمند و مستقل باشد (معمارزاد، ۱۳۸۴، ص ۸۵-۸۶).

یکی از پایه‌های محکم اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است؛ اساس کار در اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است؛ (زیرا) اقتصاد مقاومتی اقتصاد درون‌زا است، اقتصادی است که در داخل پایه‌های مستحکمی دارد که تکانه‌های بین‌المللی و جهانی و اقتصادی آن را از جا در نمی‌برد؛ این اقتصاد مقاومتی [است]. اقتصاد مقاوم. یکی از اساسی‌ترین پایه‌های این اقتصاد عبارت است از: اقتصاد دانش‌بنیان؛ اقتصادی که متکی باشد به علم، این خیلی مهم است. ... نخبه‌های جوان می‌توانند در اقتصاد دانش‌بنیان که در واقع ستون اصلی اقتصاد مقاومتی است، نقش ایفا کنند (بیانات رهبر انقلاب، ۹۲/۷/۲۲).

در جای دیگر، پایه‌گذاری اقتصاد کشور بر پایه دانش را موجب تقویت هویت ملی و خودباوری دانسته، می‌فرماید: «بنابر این بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش، هم موجب تقویت روحیه و شخصیت و هویت ملی است؛ هم قدرت سیاسی. خود استقلال و خودتکلیبی علاوه بر قدرت اقتصادی که طبیعی است و وجود دارد، به کشور قدرت سیاسی می‌دهد» (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۱/۵/۸) ... اقتصاد دانش‌بنیان را اهمیت بدهیم. رشد شتابان اقتصاد به‌وسیله اقتصاد دانش‌بنیان [ممکن] خواهد شد. امروز ما امکانش را هم داریم؛ جوان‌های آماده، تحصیل کرده، باسواد بسیاری هستند که می‌توانند کارهایی انجام بدهند. گاهی... یک کارآفرین جوان... آمده وارد شده در یک مقوله‌ای - کشاورزی، دامداری، صنعت، صنایع کوچک، خدمات و امثال اینها - با سرمایه کم شروع کرده و با پشتکار به یک جایی رسیده. [تولید] ثروت از راه فکر، از راه کارهای دانشی؛ این هم یک مسئله است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۷/۳/۲).

صرف سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی نشود، اقتصاد ایران را در میدان مبارزه اقتصادی با دشمن ضربه‌پذیر می‌کند؛ زیرا دشمن در وضعیت امروز دنیا، می‌تواند با ابزارهایی که در اختیار دارد، بر قیمت نفت اثر گذارده و آن را کاهش دهد، یا خرید نفت از ایران را تحریم کند و از این راه، درآمد کل کشور را کاهش داده و در اقتصاد ایران بحران پدید آورد. افزون بر این، تکیه به درآمد نفت در تأمین مایحتاج کشور، موجب رخوت در نظام تولید کشور شده و اقتصاد را تضعیف می‌کند. در عین حال، درآمد نفت ثروت خداداده و فرصتی است که اگر از آن، در جهت تقویت زیربنای اقتصادی درست استفاده شود، می‌تواند حرکت اقتصادی به سمت استقلال و قدرت اقتصادی را تسریع کند.

از نظر رهبر انقلاب، اقتصاد یک‌بعدی، و خام‌فروشی نفت و وابستگی اقتصاد کشور به نفت، اقتصاد کشور را در برابر تکانش‌های اقتصادی دنیا، با بحران مواجه می‌سازد:

ما امروز دنبال استقلال اقتصادی هستیم؛ دنبال رها شدن کشور از وابستگی به نفت هستیم. امروز می‌خواهیم در وضع اقتصادی کشور ترتیبی داده شود که پایین آمدن فلان مقدار از قیمت یک بشکه نفت، نتواند در کشور ما این همه تأثیر بگذارد. این کارها چگونه ممکن است؟ اگر ما بخواهیم خودمان را از نفت بی‌نیاز کنیم، غیر از این است که باید به محیط کار، به جامعه کارگری، به مسئله کارگاه‌ها و به مسئله آموزش کارگران، اهتمام ویژه‌ای بشود؟ (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۷۸/۲/۲۵).

مراکز تحقیقاتی ما، پارک‌های علمی - فناوری ما، دانشگاه‌های ما در بخش‌های مختلف، در حال جوشش اند؛ این نباید متوقف شود. در زمینه اقتصاد هم این امر به ما کمک اساسی خواهد کرد؛ یعنی اگر ما توانستیم کار علمی را پیش ببریم و علم را اقتصادی کنیم، قطعاً در زمینه اقتصاد از فروش نفت و از خام‌فروشی‌هایی که داریم و مانند اینها، برای ما بسیار پر صرفه‌تر خواهد بود (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۰۶/۶).

ب. اقتصاد دانش‌بنیان

اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که براساس «تولید و توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات» شکل گرفته و سطح بالایی از سرمایه‌گذاری در آن به «ابداع» و «نوآوری» اختصاص می‌یابد و فناوری‌های کسب‌شده با شدت بالایی مصرف می‌شوند و نیروی کار از تحصیلات عالی برخوردار است. برخورداری از این نوع اقتصاد، که

ج. اقتصاد مقاومتی

با تحلیل بیانات رهبر انقلاب در زمینه اقتصاد مقاومتی، می‌توان گفت: اقتصاد مقاومتی، راهکار اقتصادی یک کشور در شرایط خاص است که به تولید و توزیع کالاهای خاص و سرمایه‌گذاری برای کاهش وابستگی به کشورهای دیگر، بخصوص کشورهای متخاصم، در شرایط بحرانی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که اگر نتوانست محصولات اساسی زندگی مردم و کالاهای اساسی آنها را در بازار مبادله از کشورهای دیگر تهیه کند، بتواند با اتکاء به داخل به تولید انبوه محصول موردنظر بپردازد. تأمین کالاها و مایحتاج اساسی مردم در جهت مقاومت در مقابل دشمنانی که سعی دارند بسیاری از کالاهای موردنیاز آن کشور را تحریم کنند.

در اقتصاد مقاومتی تجربه‌ها و مهارت‌ها، تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند، می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۶۳). از لحاظ کوتاه‌مدت هم اعتقاد بنده این است که تحریم‌ها هم... با پیشرفت علم بی‌اثر می‌شود... با نگاه علمی به مسائل کشور، و توجه به علم و پیوند دادن علم و صنعت و کشاورزی... تحریم‌ها بی‌اثر خواهد شد (همان، ص ۱۸).

رهبر معظم انقلاب، به کرات موضوع استقلال اقتصادی را به شیوه‌های گوناگون مطرح کرده و چندین سال است که به تبیین مفهوم استقلال اقتصادی و مقاوم‌سازی اقتصاد می‌پردازند. بنابراین مفهوم اقتصاد مقاومتی که مقام رهبری مطرح کرده‌اند، شیوه‌ای در اقتصاد است که در صورت استفاده عملی از آن، کشور می‌تواند به افق‌های مطلوب در نظام اقتصادی خود برسد و پایه‌گذار تمدنی نوین باشد.

د. خودکفایی

منظور از «خودکفایی»، رسیدن به مرحله‌ای است که کشور در زمینه تأمین کالاهای عمده و اساسی به مرحله بلوغ و استقلال برسد. در حقیقت، رسیدن به خودکفایی و قطع وابستگی به دیگران، حداقل در خصوص برخی «کالاهای استراتژیک»، اهمیت بسیاری دارد و نه تنها استقلال اقتصادی، بلکه اقتدار و قدرت ملی را هم برای آن کشور به ارمغان می‌آورد. همان‌طور که کوشش برای رسیدن به خودکفایی، بهترین راه مقابله با تحریم‌های اقتصادی دشمن است و تا زمانی که دست نیاز کشور به سوی بیگانگان دراز باشد، بیگانگان نیز از تحریم به‌عنوان وسیله‌ای برای فشار آوردن استفاده خواهند

کرد. بنابراین، باید توجه داشت که هم برای تحقق نهایی استقلال اقتصادی و هم برای ارتقاء قدرت و اقتدار ملی کشور در معادلات و مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، پیشبرد خودکفایی در زمینه تأمین کالاهای اساسی و ضروری، بیش از پیش ضروری می‌باشد.

امروز، آبروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود... کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد، دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی به اعمال فشار نداشته باشد و خلاصه دین در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشد. باید تولید داخلی کشور طوری شکل بگیرد که کشور در هیچ شرایطی، در زمینه تغذیه و در زمینه دارو دچار مشکل نشود؛ این یکی از مؤلفه‌های اساسی در این سیاست‌هایی است که ابلاغ شده است. باید خودکفا باشیم... (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۸۵).

ه. حمایت از کار (و کارآفرینان)، سرمایه (و سرمایه‌گذاران) و تولید ملی

استقلال اقتصادی وقتی حاصل می‌شود که تولید ملی دو ویژگی داشته باشد: اینکه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم، پاسخگوی نیازهای مردم و کشور باشد. محصولاتی تولید شود که در وضعیت امروز دنیا قابل رقابت در بازارهای خارجی و قابل مبادله با محصولات موردنیاز کشور باشد. با کار و سرمایه ایرانی تولید شود. در غیر این صورت، بدترین شکل وابستگی؛ یعنی وابستگی در تأمین عوامل تولید رخ خواهد داد. براین اساس، یکی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، باید حمایت از کار، سرمایه و تولید ملی باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است: صنعت و کشاورزی. ما تا به کار ایرانی و سرمایه ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد و اگر تولید ملی شکل نگیرد، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۳۹).

با عنایت به این سخن رهبر انقلاب، به خوبی روشن می‌شود که تولید ملی با تکیه بر منابع و امکانات داخلی و با استفاده از ظرفیت‌های درونی، از جمله منابع انسانی نخبه و دانشمند، یکی از مهم‌ترین راه‌های تحقق استقلال اقتصادی و متعاقب آن استقلال سیاسی می‌باشد که دست بیگانگان را از کشور قطع کرده، ایران اسلامی را در راه رسیدن به اهداف و آرمان‌های جهان‌شمول انقلاب اسلامی، که ابتدا ضروری است تا کشور روی پای خود ایستاده و نیازهای درونی‌اش را خود

ز. مبارزه با فقر، فساد و تبعیض

یکی از شاخص‌های نیل به تمدن اسلامی، در عرصه اقتصاد، مبارزه مستمر با فقر، فساد و تبعیض است. این شاخص مکرر در کلام رهبر انقلاب منعکس شده است: از جمله چیزهایی که مردم را به بهشت نزدیک می‌کند، بهبود معیشت مردم است؛ «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۷)، جامعه‌ای که در آن فقر باشد، بیکاری باشد، مشکلات معیشتی غیرقابل حل وجود داشته باشد، اختلاف طبقاتی باشد، تبعیض باشد، شکاف طبقاتی باشد، حالت آرامش ایمانی پیدا نمی‌کند. فقر، انسان‌ها را به فساد می‌کشاند، به کفر می‌کشاند؛ فقر را باید ریشه‌کن کرد. کار اقتصادی، فعالیت اقتصادی باید به‌طور جدی در برنامه‌های مسئولان قرار بگیرد که امروز بحمدالله مسئولان دنبال این چیزها هستند. فکرها را باید منظم کرد، راه را باید درست تشخیص داد، درست باید حرکت کرد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۸). البته ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه‌ریزان باید این باشد (همان، ص ۴۶).

رهبر انقلاب، یکی از راه‌کارهای تحقق جامعه آرمانی و تمدن نوین اسلامی را اصلاحات واقعی و جامعه بدون فقر، فساد و تبعیض می‌داند: اساس اصلاحات این است که ما با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کنیم. هر اصلاحاتی، اگر واقعاً اصلاحات باشد، بر محور این می‌چرخد. بدترین فسادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است. بدترین فسادها در جامعه این است که کسانی دچار فساد مالی و اقتصادی شوند و از بیت‌المال مردم برای منافع شخصی و بُرکردن جیب خود تغذیه کنند. بزرگ‌ترین فسادها این است که در اجرا و اعمال قانون در جامعه تبعیض باشد و به شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها و قابلیت‌های افراد توجه نشود. همان فقر و فساد و تبعیضی که بارها عرض کرده ایم، مبارزه با اینها، همان اصلاحات واقعی است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۱/۴/۲۶).

نتیجه‌گیری

براساس آنچه گذشت، می‌توان گفت: به لحاظ محتوایی، در نگاه *آیت‌الله خامنه‌ای*، تمدن اسلامی غایت حرکت و چشم‌انداز مشترک امت اسلامی در سطح کلان و الگوی زندگی در جوامع اسلامی در سطح خرد است. با توجه به نقایص الگوهای توسعه تجویزی غرب،

تأمین کند، بیشتر از گذشته یاری می‌رساند. در حقیقت، تولید ملی و استفاده از کار و سرمایه ایرانی مورد تأکید رهبر انقلاب، نه تنها به صرفه‌جویی در هزینه‌های کلانی که باید برای واردات انجام داد می‌انجامد، بلکه راه استیلای قدرت‌های بزرگ غربی را نیز بر کشور بسته و موجب می‌شود تا از این طریق قدرت چانه‌زنی کشور نیز در سطح منطقه و بین‌الملل ارتقاء یابد.

و. عدالت اقتصادی

یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی در تمدن نوین اسلامی، عدالت اقتصادی است. چون دنیای سرمایه‌داری مبتنی بر لیبرال دموکراسی برایش مسئله عدالت، مسئله فرعی و درجه دو و ابزاری است و برای آنها، مسئله نفع و سود و پول، مسئله اصلی است. این موجب نمی‌شود که ما از عدالت به‌عنوان یک مسئله محوری و اصلی صرف‌نظر کنیم. ما در قالب‌های اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی‌مان، مسئله عدالت، محور امور است (فیرجی، ۱۳۹۲، ص ۱۸).

اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی، تعاریف متفاوت و متضادی از عدالت ارائه می‌کنند که از نظر رهبر انقلاب مطرود می‌باشد:

... ما با نظام سوسیالیستی هم، به همین اندازه فاصله داریم. نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم می‌گیرد؛ ابتکار و میدان را می‌گیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن متعلق می‌کند. این، غلط اندر غلط است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۹۳). بعضی‌ها می‌گفتند اسلام شیوه خاصی در باب اقتصاد ندارد. هر شیوه‌ای که بتواند آرمان‌های اسلامی مثلاً عدالت را تأمین کند، اسلامی است. ولی عقیده ما این بود که نه، اسلام خطوطی معین کرده و شیوه‌ای بنا نهاده و چارچوبی برای اقتصاد اسلامی درست کرده و این چارچوب باید تبعیت شود (همان، ص ۳۳).

با اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص‌هایی همچون رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تورم و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و رونق اقتصادی به‌وجود خواهد آمد. عدالت اجتماعی، مهم‌ترین شاخص، در میان این شاخص‌هاست؛ زیرا نظام اسلامی رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی را قبول ندارد، و در هرگونه پیشرفت اقتصادی کشور، باید وضع طبقات محروم به معنی واقعی کلمه، بهبود یابد (همان، ص ۷۶).

این الگو نمی‌تواند جمهوری اسلامی ایران را با اهداف و ارزش‌های متعالی آن منطبق کند. جمهوری اسلامی در هم‌آوردی با تمدن غرب، تجربه قابل ملاحظه و درخور مطالعه‌ای دارد.

در این مقاله، شاخصه‌های اصلی پیشرفت در تمدن نوین اسلامی ایرانی، از منظر رهبر معظم انقلاب، در قالب چهار بعد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دسته‌بندی شد. رهبر معظم انقلاب در بخش اجتماعی؛ مدیریت جهادی و تلاش مستمر، برپایی قسط و عدل در میان افراد جامعه، قانون‌مداری و مردمی و تعامل مستمر با مردم، و تربیت نیروی انسانی کارآمد؛ در بخش فرهنگی؛ ایمان و باور توحیدی، تولید علم و علم‌آموزی، اخلاق‌مداری، و بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن اسلامی؛ در بخش سیاسی؛ تعامل با جهان خارج، حفظ استقلال سیاسی، استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی و احترام به آزادی‌های مشروع؛ و سرانجام در بخش اقتصادی؛ شاخص‌هایی چون قطع وابستگی به نفت، اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد مقاومتی، خودکفایی، حمایت از کار و سرمایه، عدالت اقتصادی و مبارزه با فقر، فساد و تبعیض را به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی بیان می‌کنند.

به نظر می‌رسد، براساس نظریه تمدنی *آیت‌الله خامنه‌ای* حرکت تکاملی جمهوری اسلامی ایران در گرو «رویکرد تمدنی» و محقق ساختن الزامات مهم و راهبردی است. از این‌رو، برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و الزامات و چگونگی کاربست آن در امور مختلف نظام، نیازمند بسیج همه امکانات و ظرفیت‌ها و تلاش جهادی است.

منابع.....

اکبری، مرتضی و فریدون رضایی، ۱۳۹۴، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، *الگوی پیشرفت اسلامی*، دوره سوم، ش ۵، ص ۱۰۸-۸۵.

بیانات رهبر معظم انقلاب. در: Khamenei.ir

پیغامی، عادل، ۱۳۹۱، *مفهوم‌شناسی پیشرفت کلان‌های*، در: Khamenei.ir
حائری یزدی، مهدی، ۱۳۸۴، *کاوش‌های عقل عملی*، چ دوم، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

حجازی، فخرالدین، ۱۳۵۲، *نقش پیامبران در تمدن انسان*، چ دوم، تهران، بعثت.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۰، *بانک جامع بیانات مقام معظم رهبری*، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

—، ۱۳۹۶، *سیری در بیانات مقام معظم رهبری در مراسم و دیدارهای اخیر*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

سیاه‌پوش، امیر، ۱۳۹۲، *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی*، به کوشش مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا، تهران، انقلاب اسلامی.

صمیمی، سیدرشید، ۱۳۸۷، *اصول و شاخصه‌های تمدن نبوی*، قم، کتاب طه.
عادلی، افشین، ۱۳۸۸، *ضرورت تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز داده‌ورزی و اطلاع‌رسانی معاونت برنامه‌ریزی راهبردی رئیس‌جمهور.

غلامی، رضا، ۱۳۹۶، *فلسفه تمدن نوین اسلامی*، تهران، سوره مهر.
فیرحی، داود، ۱۳۹۲، *فقه و سیاست در ایران معاصر*، چ سوم، تهران، نشر نی.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

معمارنژاد، عباس، ۱۳۸۴، *اقتصاد دانش‌بنیان: الزامات، ناگرها، موقعیت ایران*، *چالش‌ها و راهکارها*، تهران، اقتصاد و تجارت نوین.

مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۹ق، *مستدرک الوسائل*، چ دوم، بیروت، آل‌البیت.
ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۰، *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، تهران، وزارت امور خارجه.

—، ۱۳۸۳، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران، دفتر نشر معارف.
الیاده، میرچا، ۱۳۷۵، *دین‌پژوهی*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی.

یاقوتی، ابراهیم، ۱۳۹۸، «مؤلفه‌ها و راهکارهای تمدن نوین اسلامی در اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری»، *شاهد اندیشه*، دوره اول.

Mayer, Jorg, 2013, "Towards More Balanced Growth Strategies in Developing Countries: Issues Related to Market Size, Trade Balances And Purchasing Power", in *UNCTAD Discussion Paper*, No. 214.